ریلیک ، یادگارها و بقایای مقدس بودیسم

دکتر علیرضا طاهری
استاد دانشگاه هنر ایران

سرشناسه | طاهری، علیرضا، ۱۳۴۴
عنوان و نام پدیدآور | ریلیک، یادگارها و بقایای مقدس بودیسم/ علیرضا طاهری
مشخصات نشر | تهران، دانشگاه هنر ایران، ۱۴۰۵.
مشخصات ظاهری | ج، ۲۶۹ ص.: مصور(رنگی).
شابک | ۱- ۱۶- ۱۴۲۷- ۶۲۲- ۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی | فیپا
یادداشت | کتابنامه: ص. ۲۴۲ — ۲۵۱.
موضوع | بودیسم
Buddhism
کتیبه‌های بودایی
Buddhist inscriptions
معبدهای بودایی
Buddhist temples
موضوع | آسیای مرکزی — آثار تاریخی
Asia, Central- Antiquities
شناسه افزوده | دانشگاه هنر ایران
رده‌بندی کنگره | BQ ۴۰۳۴
رده‌بندی دیویی | ۲۹۴/۳
شماره کتابشناسی ملی | ۱۰۵۹۳۷۶۵
اطلاعات رکورد کتابشناسی | فیپا

نام کتاب | ریلیک، یادگارها و بقایای مقدس بودیسم
تالیف | طاهری، علیرضا، ۱۳۴۴
چاپ اول | ۱۴۰۵
بها | ۵/۸۰۰/۰۰۰ ریال
شمارگان | ۱۰۰ نسخه
قطع | وزیری
شابک | ۱- ۱۶- ۱۴۲۷- ۶۲۲- ۹۷۸
طراح و صفحه‌آرا | رعنا محمدزاده
ناشر | دانشگاه هنر ایران
تهران، خیابان حافظ، خیابان شهید سرهنگ سخایی
بعد از تقاطع سی تیر، شماره ۵۶
تلفن: ۸۲ ۵۶ ۷۲ ۶۶ (۰۲۱)
کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است
مسئولیت مطالب بر عهده نویسنده است و لزوما
دیدگاه‌های دانشگاه هنر را منعکس نمی‌کند.

پیشگفتار

یادگارهای مقدس و اشیاء متبرک در همه‌ی جوامع بشری از هزاران سال پیش و شاید از آغاز زندگی انسان، بخشی از باورها و اعتقادات بوده و احترام و ستایش نسبت به آن رواج زیادی داشته است. در طول زمان و مبتنی بر شرایط گوناگون، تکریم این آثار و بقایای مقدس به صورت سنت‌ها و آیین‌های خاصی درآمده است. هرچند این سنت‌ها بر اساس فرهنگ و باورها دارای تفاوت‌های شکلی است ولی به لحاظ ماهوی شبیه به یکدیگر هستند.

یادگارهای مقدس به لحاظ جغرافیایی نیز دارای گستردگی زیادی در پهنه‌ی گیتی هستند؛ آنها نفوذ زیادی در بین آیین‌ها و ادیان رایج درجهان(که به لحاظ جمعیتی و جغرافیایی دارای بیشترین گستردگی‌اند)، نظیر: بودیسم، یهودیت، مسیحیت و اسلام داشته‌اند. پاسداشت سنت و آیین تکریم و ستایش یادگارهای مقدس یا ریلیک در بین آنها همواره از جایگاه والایی برخوردار بوده است.

در هنر مسیحی، ریلیک یا یادگارهای مقدس به اشیاء یا بقایای فیزیکی مربوط به قدیسان، شهدا، یا اشیائی که با حضرت مسیح (ع) در ارتباط بوده و تماس داشته‌اند، گفته می‌شود. این یادگارها همواره نقش بسیار مهمی در اعیاد و آیین‌های مسیحی و هنر دینی، به ویژه در دوران قرون وسطی و رنسانس و ترویج باورهای مذهبی ایفا کرده‌اند.

در فرهنگ اسلامی، اشیاء مقدس، یادگارها یا آثار منسوب به پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد(ص)، اهل بیت(ع) یا صحابه، جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده‌اند، هرچند که نظرات فقهی در خصوص این اشیاء در مذاهب مختلف اسلامی متفاوت است. در سنت اسلامی، اشیاء مقدس به صورت نمادها یا مکان‌های متبرکه نیز شناخته می‌شوند. این اشیا، فراتر از ارزش مادی، دارای جایگاه معنوی، عاطفی و نمادین برای مسلمانان هستند و اغلب با مفاهیمی همچون: تبرک، احترام، شفاعت و غیره همراه‌اند. در این میان تبرک (طلب برکت) یکی از مفاهیم کلیدی در تعامل مسلمانان با اشیاء مقدس است. این عمل، نوعی اظهار محبت، خضوع، تواضع و پیوند روحی با پیامبر(ص)، اهل بیت(ع) یا اولیاء خدا محسوب می‌شود.

در واقع می‌توان گفت که «ریلیک» یا اشیاء مقدس در اسلام نیز اگرچه جنبه فیزیکی دارند، اما از بار عمیق معنوی، تاریخی و احساسی برخوردارند. آن‌ها نه تنها پیوندی با زندگی و گذشته مقدس شخصیت‌های محوری اسلام ایجاد می‌کنند، بلکه ابزارهایی برای تقویت ایمان، محبت و هویت دینی نیز به شمار می‌آیند. هرچند دیدگاه‌ها و رویکرد به آن‌ها در بین فِرَق مختلف

اسلامی متفاوت است، اما احترام به پیامبر(ص) و یادگاری‌های او، نقطه‌ی مشترک همه‌ی آنهاست.

در آیین بودیسم نیز «ریلیک» به معنای «یادگار بازمانده‌ی مقدس» یا «آثار مقدس» نقش حائز اهمیتی در باور مؤمنان داشته است و اغلب به بقایای فیزیکی بودا یا قدیسان بودایی اشاره دارد. این موضوع جایگاه بسیارمهمی در هنر بودیسم و عبادت بودایی را به خود اختصاص داده است.

در همه‌ی ادیان یادشده و آیین‌های بزرگ، اشیاء و یادگارهای مقدس به‌عنوان رابطهای معنوی میان انسان و امر الهی عمل می‌کنند. این اشیاء، هویت دینی و فرهنگی را تقویت نموده و به گونه‌ای نمادین و استعاره‌ای، ابزار یادآوری و اتصال معنوی هستند؛ به ویژه در قالب هنر دینی، زیبایی، نمادپردازی و ایمان را به هم پیوند می‌دهند. با وجود این، نحوه‌ی استفاده و نگرش به آن‌ها، بسته به سنت‌های دینی می‌تواند تفاوت‌هایی در سطح مشروعیت، کارکرد، و نحوه‌ی مواجهه داشته باشد.

با توجه به مطالبی که گفته شد، این کتاب با در نظرگرفتن تقدم تاریخی، به بررسی یادگارها و اشیاء مقدس با نگاهی به آثار هنری مرتبط با آیین بودیسم پرداخته است. در تحریر این کتاب از منابع معتبر خارجی (کتاب، مقالات و سایت‌های معتبرعلمی) استفاده شده که توسط پژوهشگران و متخصصین این حوزه به چاپ رسیده است و نظرات آنها در کنارهم گردآوری و از آنها بهره گرفته شده است. بنابراین، آنچه در انجام این کتاب از اهمیت زیادی برخوردار است بیان اندیشه‌ها و نظرات مختلف محققین و ارائه‌ی موضوعات جدید تحقیقی و تطبیقی برای علاقمندان، دانش‌پژوهان و محققین، و همچنین تحلیل مفهومی و کاربردی آنهاست. موضوع اشیاء مقدس یا یادگارهای مقدس در بین موضوعات مورد پژوهش در ایران مورد توجه جدی قرار نگرفته است، در حالی‌که اهمیت بسیار زیادی درحوزه‌های تحقیقاتی جامعه شناسی، فلسفه، ادیان، هنر و سایر علوم دارد و در بسیاری از کشورها پژوهش‌های زیادی در این خصوص انجام شده و یا درحال انجام است. همین امر سبب گردید تا در خصوص «ریلیک» یا «یادگارهای مقدس» از منظر تاریخی، اعتقادی و به ویژه هنری، پژوهشی در قالب کتاب حاضر انجام پذیرد، این کتاب می‌تواند علاوه بر پر نمودن فضای کوچکی از خلأ وجودی آن، زمینه‌ی پرداختن به موضوعات تحقیقاتی دیگر را نیز فراهم آورد.

بیان این نکته ضروری است که رویکرد تحلیلی و تاریخی این پژوهش بر اساس آثار هنریِ خلق شده بر مبنای باورهای دینی به «یادگارهای مقدس» است. بنابراین می‌توان از این آثار به عنوان «هنر یادگارهای مقدس» یا «هنر آثار متبرک» یاد کرد که سبک‌های ویژه‌ی هنری را

سبب شده‌اند. به همین دلیل اطلاق اصطلاح «هنر یادگارهای متبرک» یا «هنر ریلیک» به این آثار و شاهکارهای هنری بسیار مناسب و شایسته است. از مشکلات بزرگ تحقیق، وجود اصطلاحات و واژه‌های زیاد هندی و چینی است که توضیح آنها جهت فهم بهتر موضوعات، کار را سخت نموده است. با وجود این، تا آنجا که مقدور بوده سعی شده است این موارد با توضیحاتی هرچند کوتاه و مختصر همراه باشد. مسلماً در نگارش تلفظ و ترجمه‌ی برخی از واژگان و اصطلاحات ایرادات و اختلافاتی وجوددارد که دلیل آن گستردگی فرهنگ اصطلاحات و ادبیات هند، چین و آسیای شرقی در منابع می‌تواند باشد.

فهرست مطالب

مقدمه ۱

فصل اول- مرگ بودا و شمایل‌های اولیه بودا ۱۱

۱-۱-آیین تدفین بودا ۱۳

۱-۱-۱- روایات سوزاندن جسد و وان روغن ۱۷

۱-۲- شمایل بودا در تندیس‌سازی اولیه ۳۵

فصل دوم- ریلیک، بقایای مقدس، یادگارهای متبرک ۴۷

۲- ۱-واژه‌شناسی، ترمینولوژی و مفهوم ریلیک ۴۹

۲-۲- استوپا، بقایای مقدس و متبرک بودا ۵۳

۲-۲-۱- استوپاهای نذری ۷۹

۲-۳- کایتیا، ستیا، دهاتو، ساریرا ۸۱

فصل سوم - یادگارهای متبرک بودا ۹۱

۳-۱- یادگارهای متبرک بودا و انواع آن ۹۳

۳-۱-۱- استخوان‌ها و مهره‌های متبرک ۱۰۰

۳-۲- آیین نمایش یادگارها ۱۰۵

۳-۳- ظروف نگهداری یادگارهای بودا ۱۱۷

۳-۴- پیشکش و هدایای مذهبی-آیینی ۱۲۳

فصل چهارم- یادگارهای متبرک در معابد خارج از هند ۱۴۱

۴-۱- معابد مهم حاوی مجموعه یادگارهای بودا ۱۴۳

۴-۱-۱- معبد هوریوجی ژاپن ۱۴۳

۴-۱-۲- ظروف یادگار هوریوجی ۱۴۸

۴-۱-۳- نذورات اهدایی ۱۵۲

۴-۱-۴- ظروف بیضی شکل ۱۶۳

۴-۱-۵- بطری شیشه‌ای ۱۷۰

۴-۲- میانمار ۱۷۲

۴-۳- چین و کُره ۱۷۵

۴-۳-۱- معبد فامن‌سی ۱۸۸

۴-۳-۲- صومعه چانگگان ۱۹۶

۴-۴- ارزش یادگارها در چین ۲۰۳

فصل پنجم- یادگارهای متبرک و کنفوسیوسیسم ۲۲۳

۵-۱-کنفوسیوس ۲۲۵

۵-۲- کنفوسیوسیسم و یادگارهای متبرک ۲۲۷

سخن نهایی ۲۳۹

فهرست منابع ۲۴۲

مقدمه

بودیسم به عنوان یکی از گسترده‌ترین آیین‌ها در آسیا، به ویژه در شرق آسیا تاثیر زیادی بر باورها و فرهنگ و هنر ملل گوناگون داشته است. بودیسم در شمال شرقی هند، هم مرز با بیهار، (جایی که نپال کنونی قرار گرفته) به عنوان واکنشی به بت‌پرستی، آیین‌های متداول و سلسله مراتبِ کاستی و طبقاتی هندو متولد شد. در طول زندگی بودا (حدود ۵۶۳–۴۸۰ قبل از میلاد)، هند مملو از جنبش‌های مذهبی کوچکی بود که حول چند یوگی معروف و کاریزماتیک متمرکز شده بودند. مردم به طور فزاینده‌ای از آداب و رسوم و قربانی هندوها ناراضی بودند و گهگاه تمرد و نافرمانی می‌کردند. این در واقع زمانی است که *تری–راتنا* [۱] یا «سه جواهر» شامل: *بودا*، *دارما* (آموزه) و *سانگا* (جامعه)، ظهور کرد. بودا شش سال اول ریاضت خود را به عنوان یوگی گذراند، اما در پایان این دوره متوجه شد که این راهِ درستی برای رستگاری نیست. او راه میانه‌ای بین افراط و ریاضت را در پیش گرفت. بودا تصمیم گرفت برای نجات دیگران دارما را بیاموزد و آموزش دهد. وی پس از رسیدن به روشنگری، اولین خطبه‌ی خود را در *سارنات*[۲] در مورد چهار حقیقت شریف و راه هشتگانه برای پنج شاگردش ایراد کرد که «به حرکت درآوردن چرخ قانون» معروف است.



تصویر۱– گوتامابودا اولین خطبه‌ی خود را در پارک گوزن‌ها، در سرنات برای پنج شاگرد خود ایراد می‌کند و تعلیم می‌دهد، نقاشی دیواری، صومعه بودایی تبتی نیینماپا [۳]، مانالی، هیماچال‌پرادش، هند.

عبارت «به حرکت درآوردن چرخ قانون»[۴] یکی از بنیادی‌ترین مفاهیم در آیین بوداست. مفهوم آن یعنی آغاز چرخش آموزش‌های حقیقت و رهایی توسط بودا از طریق بیان چهارحقیقت شریف و راه هشتگانه. وقتی بودا در سارنات نخستین خطبه‌اش (خطبه بنارس) را ایراد کرد، برای نخستین بار حقیقت را آشکارا بیان نمود. این عمل، در ادبیات بودایی چنین تعبیر می‌شود که «بودا چرخ دارما را به حرکت درآورد»؛ به زبان نمادین یعنی: او آیین خویش را آغاز کرد، تعالیم حقیقی را در جهان، در

گردش و دسترس بشر قرار داد، و چرخی را به حرکت انداخت که از آن پس هر بار آموزگاری بزرگ ظهور کند، آن را دوباره به حرکت درآورد. چرخ دارما یا «داراماچاکرا»یکی از کهن‌ترین و مقدس‌ترین نمادهای آیین بودیسم، هندوییسم و جِینیسم است. واژه «دارما» به معنی نظم کیهانی، قانون الهی، حقیقت یا راه درست زندگی است، و «چاکرا» یعنی چرخ. بنابراین «چرخ دارما» در کل نماد حرکت پیوسته جهان بر اساس قانون اخلاقی و معنوی است.

بودا در این خطبه درباره‌ی چهار حقیقت شریف سخن می‌گوید:

۱- حقیقت رنج: زندگی در چرخه‌ی تولد و مرگِ آمیخته با رنج است: تولد، پیری، بیماری، مرگ، جدایی از چیزهای محبوب، و نرسیدن به خواسته‌ها، همگی نوعی رنج‌اند.

۲- حقیقت منشأ رنج: علت رنج، اشتیاق، دلبستگی و تمنّا است؛ این میل، انسان را به چرخه‌ی تولد و مرگ می‌کشاند.

۳- حقیقت پایان رنج: با از میان بردن این اشتیاق، رنج نیز پایان می‌پذیرد؛ به این حالت نیروانا گفته می‌شود: رهایی از چرخه‌ی تولد و مرگ.

٤- حقیقت راه رهایی از رنج : بودا راهی عملی برای رهایی معرفی کرد: راه هشتگانه شریف.

راه هشتگانه شریف که بودا به آن اشاره می‌کند شامل هشت اصل است که در سه بخش اصلی خلاصه می‌شوند:

الف) حکمت[۵]: دید درست، قصد و نیت درست؛

ب) اخلاق[۶]: گفتار درست، کردار درست، معیشت درست؛

ج) تمرکز[۷] : کوشش درست، آگاهی (هوشیاری) درست، تمرکز درست. پنج راهبی که نخستین شنوندگان این آموزه‌ها بودند عبارتند از: کُندا[۸]، واپّا[۹] ، بادّیا[۱۰]، مَهاناما[۱۱]، آسَجی[۱۲]. نخستین کسی که آموزه را درک کرد، کُندا بود. او نخستین راهب و اَرهانت (کسی که رهایی یافته است) لقب گرفت.

روایت مراحل مختلف زندگی بودا و روشنگری وی در بسیاری از آثار هنری بازنمایی و تجسم شده است. روایت تصویرشده بر روی یک ستون سنگی با نقوش برجسته، از *آماراواتی* (که در حال حاضر در موزه بریتانیا نگهداری می‌شود)، حول وقایع قبل از روشنگری بودا می‌چرخد، زمانی که بودای آینده (که در اینجا در حالت غیرشمایلی نشان داده شده است) قبلاً تصمیم گرفته بود به ریاضت‌های شدید خود پایان دهد و به سمت درخت روشنگری یا درخت بودی حرکت کند (تصویر ۲). آنچه که ستون نشان می‌دهد توالی وقایع است. اما چیزی که ترکیب‌بندی ارائه می‌دهد نشان دادن گاه‌شماریِ ترتیب وقایع مورد نظر نیست. وعده‌ی غذایی–که نشان‌دهنده‌ی نقطه‌ی عطف رشد معنوی و

پایان‌دادن به ریاضت‌ها به عنوان آخرین رویداد قبل از روشنگری است–، در مدالیون مرکزی قرار گرفته است. بخش پایینی، اهدای یک تکه پارچه، و بخش بالایی، گذر از رودخانه *نایرانجانا* [۱۳]را نشان می‌دهد(Zin, 2018:10) .

نایرانجانا رودخانه‌ای است (رودخانه لیلاجا [۱۴] کنونی) که به سمت شمال و به سوی گنگ می‌رود و از نزدیکی *بودگایا* در ایالت بیهار می‌گذرد. بودا *شاکیامونی* پس از خروج از کاخ سلطنتی به مدت شش سال در ساحل این رودخانه در جنگلی نزدیک روستای *اوروویلا* [۱۵]ریاضت کشید. وی سرانجام متوجه شد که این شیوه‌ی ریاضت هرگز به روشنگری نمی‌انجامد. او در رودخانه *نایرانجانا* حمام کرد و با پذیرفتن کشک شیری که توسط دختری به نام *سوجاتا* به وی عرضه شد، قدرت خود را بازیافت. سپس زیر درخت انجیر معابد نشست تا به روشنگری برسد (URL1).

صحنه دوم از نقش‌برجسته‌ی ستون آماراواتی، یعنی عبور از رودخانه *نایرانجانا*، تمام قسمت بالایی ستون را دربرمی‌گیرد که توسط رویدادهای دیگر نیز برجسته می‌شود. این نقش‌برجسته نشان می‌دهد که هنرمندان آماراواتی تا چه حد می‌توانستند رنج و ریاضت را حتی بدون استفاده از شکل انسانی بودیساتوا به نمایش بگذارند. دو ردپا در یک طرف نوار مرکزی نقش‌برجسته، دو ردپا در طرف دیگر و دو تک ردپای بین آنها، جوهره‌ی تصویر را نشان می‌دهد: بودیساتوا می‌ایستد، سپس می‌رود و دوباره می‌ایستد (تصویر۳). ردپای بودا به مؤمنین این را نیز یادآوری می‌کند که بودا رفته است، اما راه و رد پای او هنوز بر زمین هست و هر کسی می‌تواند با پیمودن همان مسیر، به بیداری (نیروانا) برسد.

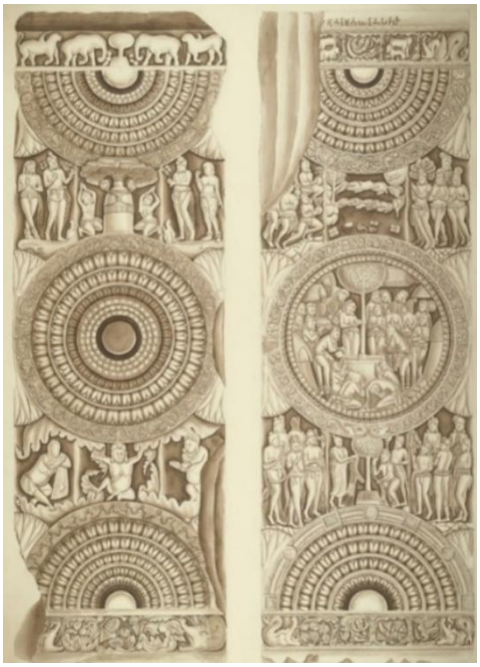
درختانِ در دو طرف صحنه، امواج و اردک‌ها، نمایش‌های بصری و چشم‌اندازی از مکانی روحانی هستند، در اینجا بودیساتوا در حال عبور از رودخانه است. در بالای درخت در سمت راست، حتی روح درخت به شکل یک دست، نیز قابل تشخیص است که به بودیساتوا کمک می‌کند تا از آب خارج شود(Zin, 2018:11).

نقش‌برجسته‌ی ستون آماراواتی مشخصه‌ی مکتب آماراواتی است. آماراواتی به یک معنا «محافظه‌کار» و«سنت‌گرا» بود، زیرا هرگز تصاویر انسان‌نمای بودا در صحنه‌های خاصی نظیر: صحنه‌های کودکی یا در زمینه‌ی *پارینیروانا* یا در *مودراهایی* خاص، مانند *دارماکاکرامودرا* [۱۶] را نپذیرفت؛ حرکتی که بیشتر بیانگر موعظه بود تا روایت زندگی. گسترش سریع بودیسم در هند با تمایل *آشوکا*، پادشاه موریایی، به آموزه‌ها و اصول بودایی و پس از نبرد *کالینگا* [۱۷]، همراه بود. جنگ *کالینگا* در هند باستان بین امپراتوری *مائوریا* تحت رهبری آشوکا و ایالت کالینگا، در ایالت کنونی

اودیشا و بخش‌های شمالی *آندراپرادش* رخ داد. به نظر می‌رسد که نبرد در تپه‌های *داولی* –که در سواحل رودخانه *دایا* قرار دارد– اتفاق افتاده است.



تصویر۲– ستون‌سنگی با صحنه‌های روایی و نمادین از زندگی بودا، آماراواتی، موزه بریتانیا، لندن.



تصویر ۳- طرح پشت و روی ستون ریلی آماراواتی با صحنه هایی از زندگی بودا، موزه بریتانیا (URL2).

نبرد *کالینگا* یکی از بزرگ‌ترین و مرگبارترین جنگ‌ها در تاریخ هند بود. کالینگا، از نظر فرهنگی بدون پادشاه اداره می‌شد. این نبرد برای تسلط بر مسیرهای تجاری به جنوب هند رخ داد و باعث خونریزی‌های زیاد، کشته شدن بسیاری از مردم و آواره شدن کسانی شد که جان سالم به دربرده بودند. جنگ در هشتمین سال سلطنت آشوکا، طبق نوشته‌ی کتیبه‌های *فرامین آشوکا* [۱۸]، احتمالاً در سال ۲۶۱ قبل از میلاد به پایان رسید. آشوکا پس از مرگ پدر و پس از یک نبرد خونین برای تاج و تخت، موفق به فتح کالینگا شد، اما عواقب این خونریزی و وحشی‌گری، دیدگاه آشوکا را در مورد جنگ تغییر داد و او را وادار کرد تا متعهد شود که هرگز جنگی را برای فتح سرزمینی آغاز نکند. پادشاه پس از نبردی خونین و احساس پشیمانی و وحشت، تصمیم گرفت بودیسم را بپذیرد، زیرا بودیسم صلح و عدم خشونت را تبلیغ می‌کرد. آشوکا، نوه‌ی *چاندراگوپتا*، بنیانگذار سلسله موریان در هند (۳۲۲ تا ۱۸۵ قبل از میلاد)، به عنوان اولین و معروف‌ترین حامی بودیسم در هند و سایر نقاط آسیا شناخته می‌شود. هنگامی که وی برتخت نشست، هندو بود و پس از نبرد کالینگا به بودیسم گروید. ظاهراً به قدرت رسیدن آشوکا بدون مشکل نبود.

او از حمایت دوستانه‌ی عناصر برهمنی ارتدوکس برخوردار نشده بود. برخی از محققین معتقدند که تغییرآیین وی به بودیسم راهی برای جلب حمایت عناصر غیر متعارف و غیر ارتودوکس بود. اما دوره‌ی گوپتا (قرون چهارم تا ششم میلادی) که گاهی اوقات آن را عصر طلایی هند می‌نامند، شاهد شکوفایی بیشتر بودیسم بود. بودیسم در این دوران گسترش یافت و آیین و باورهای آن در بین جامعه‌ی عوام و تا حد زیادی خواص نیز نفوذ پیدا نمود. این عصر طلایی در سفرنامه‌ی زائران به صورت مشروح ذکر شده و از آن سخن به میان آمده است. دو راهب و زائر چینی *فاکسیان*[۱۹] و

هوسان‌تسانگ (شوان‌زانگ) که به ترتیب در قرون پنجم و هفتم از هند بازدید کردند، گواهی داده‌اند که *هینایانا* و اشکال بودیسم، هردو، در امپراتوری گوپتا رونق داشته‌اند.

دیگ در خصوص نقش *فاکسیان* در گسترش بودیسم نیز اذعان می‌کند که خاطرات فاکسیان حاوی ثبت گزارش‌های مستقل قابل توجهی از بودیسم اولیه در هند است. او تعداد زیادی از متون سانسکریت را با خود به همراه برد که ترجمه‌ی آن‌ها بر بودیسم آسیای شرقی تأثیر وافری گذاشت و برای بسیاری از نام‌ها، رویدادها، متون و ایده‌های تاریخی نقطه‌ی عطفی به وجود آورد (Deeg,2019:138).

در دوره‌ی گوپتا، بودیسم فراتر از هند، به چین، آسیای جنوب شرقی و آسیای مرکزی گسترش یافت. بودیسم شکل ارتدوکس‌تر *هینایانا*[۲۰] را بیرون کرد. هینایانا، مکاتب ارتدوکس متعصب‌تر و محافظه‌کار بودیسم را دربرمی‌گرفت. نام *هینایانا* توسط پیروان سنت بودایی *ماهایانا* در هند باستان به این مکاتب، نه به عنوان توهین بلکه برای تمایز در دیدگاه و روش اطلاق شده بود.

دوره گوپتا همچنین شاهد توسعه *تانتریسم*[۲۱] بود. تانتریسم یک جنبش مذهبی و فلسفی بود که در هند ظاهر شد و در آیین هندوییسم و بودیسم وجود داشت. در هندِ قرون وسطی، تانتریسم عنصر مشترک همه ادیان اصلی به شمار می‌رفت. اصولا تانتریسم بر جنبه‌هایی از آیین متمرکز است که شامل استفاده از امور فیزیکی در مکان‌های مقدس و عبادی برای دسترسی به ماوراءالطبیعه است. تانتریسم را می‌توان در جِینیسم نیز جستجو کرد. حضور اَعمال آیینی تانتریک در برمه، چین، ژاپن، مغولستان و تبت نیز مشهود است. پادشاه سیلان در دوره گوپتا از پادشاه *سامودراگوپتا*[۲۲] برای ساختن یک صومعه‌ی بودایی در *گایا* اجازه گرفت. *سامودراگوپتا* به عنوان پسر چاندراگوپتای اول، امپراتور گوپتا (دوره‌ی پادشاهی ۳۳۵ تا ۳۷۵ میلادی)، و *کومارادِوی*[۲۳] شاهزاده قوم *لیکچاوی*[۲۴]، قدرت سیاسی سلسله خود را بسیار گسترش داد. هنر بودایی دوره گوپتا بیشتر در شرق و جنوب شرق آسیا تأثیرگذار بود. بسیاری از گزارش‌های پیشرفت بودیسم را *فاکسیان* در دفتر خاطرات خود ثبت نموده که پس از مرگ وی منتشر شده است.

فاکسیان یکی از معدود زائرانی بود که در زمان امپراتوری گوپتا، *چاندراگوپتای دوم*، از هند دیدن کرد. وی سفر خود را در سال ۳۹۹ میلادی از چین آغاز کرد و در سال ۴۰۵ به هند رسید.

فاکسیان در مدت اقامت خود درهند (تا سال۴۱۱)، به زیارت *ماتورا* (در ایالت اوتارپرادش)، *کانوج*[۲۵] یا *قَنوج* (در ایالت اوتارپرادش)، *کاپیلواستو*[۲۶]، *کوشیناگار*، *وایشالی*، *پاتالی‌پوترا*، *کاشی* و *راجاگریها*[۲۷]رفت و مشاهدات دقیقی انجام داد. فاکسیان در مورد شرایط امپراتوری، از ملایمت مدیریت وی راضی به نظر می‌رسید. دربار سلطنتی هند، هندوییسم و بودیسم را پذیرفت. حتی زمانی‌که برخی از پادشاهان

پیرو هندوییسم (و برهمنیسم) بودند، با بودیسم و ساخت معابد و صومعه‌های آن مخالفت نمی‌کردند. آنها قبل از ظهور سلسله‌ی موریانِ معتقد به هندوییسم (یا به عبارت مناسب‌تر، برهمنیسم)، سیستم پیچیده‌ای از آیین‌ها و باورهای کاستی را ایجاد کرده بودند. به‌تدریج آیین بودا به دین شاهزادگان و کشیشان طبقه بالا و اعضای ثروتمندتر طبقه تجاری تبدیل گشت.

شاید یکی از دلایل آن اهمیت تجارت و گردش اقتصادی بود که می‌توانست به امور کاری و تجاری آنها رونق بخشد. کاست‌های پایین‌تر، به حاشیه رانده شده یا کنار گذاشته شده بودند.

وضعیت اقتصادی و مالی طبقه بازرگانان (وایشیاها) با گشایش تجارت به آسیای جنوب شرقی و غرب آسیا رونق یافته بود. به نظر می‌رسد که احداث زیرساخت جاده‌ها توسط آشوکا می‌بایستی به این تجارت کمک کرده باشد. در شمال، ارتباطات هند و یونان و بعداً هند و روم راه تجارت را با غرب آسیا و مدیترانه باز نمود. اسکان بازرگانان هندی در کامبوج و تایلند نیز به گسترش تجارت با آن بخش از آسیا کمک کرد. منطقی است که طبقه بازرگان جذب بودیسمی شود که نظام کاستی را به رسمیت نمی‌شناسد و جابجایی طبقات اجتماعی را به هر کسی که آن را بپذیرد ارائه می‌دهد. پذیرش بودیسم توسط این طبقه ممکن است نوعی کینه‌توزی نسبت به ارتدوکس هندوها باشد. در قرن سوم پیش از میلاد، *آشوکا* مبلغانی را به سیلان و آسیای جنوب شرقی فرستاد. شواهدی تاریخی (تواریخ سیلان) نیز از روابط نزدیک بین پادشاهی *موریا* و پادشاهی *تیسا*[۲۸] در سیلان وجود دارد. متون تاریخی اشاره می‌کند که آشوکا شاخه‌ای از درخت اولیه بودی (پیپال) را برای پادشاه سیلان فرستاد که بودا در زیر آن به روشنگری دست یافته بود. این درخت در سیلان به حیات خود ادامه داد، هرچند که در هند توسط یک متعصب ضد بودایی قطع شد (Bhalla,2009:18).



تصویر۴– بودای ایستاده نصب شده توسط راهب بودایی *یاسادینا* تپه جمالپور، حدود قرن پنجم میلادی، دوره‌ی گوپتا، هنر ماتورا، موزه‌ی دولتی ماتورا. متن کتیبه‌ی روی پایه: این هدیه‌ی مذهبی راهب *ساکیا یاشادینا* (یاسوداتا) است.

بودیسم، در هسته‌ی خود از شفقت برای همه موجودات زنده و احترام عمیق برای تقدس زندگی، حمایت می‌کند؛ برای آنها ارج و ارزش بسیاری قائل بوده و همه کائنات را به هم متصل می‌داند. این آیین، پیروانی را که از اصول

بودیسم تبعیت می‌کنند و هدایت آنها به حالت *هوشیارِ بیدار* یا *روشنگر شده* منتج می‌شود، از میل و رنج رهایی می‌بخشد و در یک چرخه‌ی بی‌پایان تناسخ، پاداش بسیاری اعطا می‌کند.

برخی از فرقه‌های بودیسم حکم می‌دهند که مراقبه‌ی شدید و اجرای مناسک، راه رسیدن به این خودآگاهی است، در حالی که بعضی دیگر تعلیم می‌دهند که می‌توان از طریق تسلیم در برابر قدرت‌های خیرخواهِ خدایان بی‌شمار بودایی، به آن دست یافت.

برخی از فرقه‌ها موعظه می‌کنند که دستیابی به این بیداری و خودآگاهی در طول زندگی ممکن است، و بعضی دیگر معتقدند تنها پس از مرگ، زمانی که مؤمنان دوباره در دنیای بهشتی متولد می‌شوند (*نیروانا*) دست یافتنی است. با این حال، تصاویر مقدس بودیسم برای همه‌ی فرقه‌ها، و همچنین برای کسانی که آداب و مناسک بودیسم را جدا از نهادهای رسمی آن انجام می‌دهند، و مکان‌های خاص،(که در آن مراسمی برای ایجادِ روحی پذیرا در عبادت‌کننده طراحی شده‌اند)، چارچوبی اساسی ایجاد می‌کند تا امکان تجسم باورهای انتزاعی ایمان را فراهم نماید.

در ژاپن همانند جاهای دیگر، فرهنگ بصری بودیسم همیشه برای اعمال و مناسک این دین یا آیین، یک ضرورت اساسی بوده است و به صورت مناسبی از آن در جلب نظر مؤمنین استفاده شده است. *گراهام* در این خصوص عنوان می‌کند که روحانیون بودایی و پیروان غیرروحانی به طور یکسان بر اشکال سالن‌های عبادت و ظاهر تصاویر عبادی، آموزشی و تعلیمی تأکید زیادی دارند. این عناصر بصری صرفاً منعکس‌کننده‌ی اصول بودیسم نیستند، بلکه دارای قدرت زیادی در شکل‌دادن به آنها هستند. بسیاری از عبادتگاه‌ها در مکان‌های بسیار زیبا، الهام‌بخش یا استراتژیک بنا شده‌اند. در این میان، فرقه‌های مذهبیِ دارای نمادهایی مشخص، ازطریق داستان‌هایی با منشأ معجزه‌آسا یا قدرت‌های ماوراءطبیعیِ منسوب به آنها گسترش یافتند. معلمان پارسا تأکید می‌کردند که مفاهیم انتزاعی، مانند رؤیاهایی از جهان‌های بودا که در ماندالا به تصویر کشیده می‌شوند، می‌توانند به بهترین وجه از طریق تصویرسازی توضیح داده شوند و مفاهیمی فراتر از محدوده‌ی کلمات را منتقل کنند (Graham, 2007**:**1-2). از این‌رو هنر بودایی با شیوه‌های واقع‌گرا و نمادگرا درطول قرون از بیشترین ظرفیت خود برای جذب طرفدار و گسترش آیین بودیسم استفاده نموده است. از زمان *گوتاما بودا* (حدود قرن ششم پیش از میلاد) تا امروز، آموزه‌های او در مسیر تاریخ به چند شاخه (یانا) تقسیم شده‌اند. هر شاخه روش خاصی برای رسیدن به رهایی (نیروانا) و درک دارما دارد، اما در اساس، همه به تعالیم بودا وفا دارند. بودیسم در سرزمین‌های آسیای شرقی و هنر آن تاثیر بسیار عمیقی گذاشت و شاخه‌های اعتقادی از آن منشعب گردید.

شاخه‌های اصلی بودیسم عبارتند از:

الف) *تراوادا* یا *راه کهن‌تر* که بر مبنای تاکید بر آموزه‌های اولیه‌ی بوداست و معتقد است که فقط راهبان به نیروانا می‌رسند. این شاخه بیشتر در کشورهای سریلانکا، تایلند، میانمار، لائوس و کامبوج رواج دارد. تراوادا، قدیمی‌ترین و نزدیک‌ترین شاخه به تعالیم بوداست که بر رهایی فردی (آرهات) و مراقبه، انضباط اخلاقی و بینش شخصی تأکید دارد. در تراوادا، متون اصلی به زبان پالی است؛ مکان‌های اصلی این شاخه از بودیسم سریلانکا، تایلند، میانمار، لائوس و کامبوج است. تراوادا مکتب محبوب در جنوب و جنوب شرق آسیاست.

ب) *ماهایانا* یا *وسیله‌ی بزرگ* که براساس تفکر آن، همه‌ی موجودات می‌توانند به روشن‌ضمیری برسند؛ و بر شفقت و بودی‌ساتواها (موجودات روشنی یافته که برای کمک به دیگران بازمی‌گردند) تاکید دارد. این شاخه از بودیسم در کشورهای چین، کره، ژاپن و ویتنام بیشتر رایج است.

ویژگی‌های این شاخه از بودیسم: از لحاظ هدف: رهایی همه‌ی موجودات، نه فقط فرد؛ ایده‌آل: بودیساتوا–کسی که بیدار شده ولی تا رهایی همه‌ی موجودات از رنج، از ورود به نیروانا پرهیز می‌کند، و بر شفقت، حکمت و آگاهی جهانی بودا تأکید دارد؛ متون به زبان سانسکریت نوشته شده است. مکاتب مهم درون ماهایانا: *ذن*، *سرزمین پاک*، *نیچیرِن* و *هویان* است.

ج) *واجرایانا* یا *راه الماسی* که ترکیبی از فلسفه، *مانترا* و مراقبه‌ی نمادین بوده و در تبت، مغولستان و بخش‌هایی از نپال و هند رواج دارد. ویژگی‌های اصلی واجرایانا: استفاده از *مانترا* (اوراد مقدس)، *ماندالا* (نقشه‌های کیهانی)، و مناسک رمزی برای تسریع مسیر بیداری است؛ معلمان روحانی این مکتب لاماها (مانند دالایی لاما) بوده و تاکید آنها بر تبدیل انرژی‌های ذهنی و نفسانی به آگاهی و شفقت می‌باشد؛ متون به زبان‌های تبتی و سانسکریت نوشته شده است.

پی‌نوشت‌ها

[۱] Tri-ratna

[۲] Sarnath، بنارس، هند.

[۳] Nyinmapa

[۴] Dhammacakkappavattana پالی / Dharmacakra-pravartana سانسکریت

[۵] Prajñā

[۶] Śīla

[۷] Samādhi

[۸] Kondañña

[۹] Vappa

[۱۰] Bhaddiya

[۱۱] Mahanama

[۱۲] Assaji

[۱۳] Nairañjana

[۱۴] Lilaja

[۱۵] Uruvela

[۱۶] Dharmacakramudrā

[۱۷] Kalinga

[۱۸] مجموعه‌ای متشکل از بیش از سی کتیبه بر روی ستون‌ها، تخته سنگ‌ها و دیوارهای غار که به امپراتور آشوکا نسبت داده می‌شود.

[۱۹] «Faxian»، (قرن ۴–۵ میلادی) که با نام‌های *فا–هین* «Fa-Hien»، *فا–هسین* «Fa-hsien» و *سِهی* «Sehi» نیز شناخته می‌شود، راهب بودایی چینی که پیاده از چین به هند سفر کرد تا متون بودایی را جمع آوری کند.

[۲۰] Hinayana، یکی از دو شاخه‌ی اصلی دین بودا است، شاخه‌ی دیگر مهایانه نام دارد. امروزه واژه هینایانا بار منفی دارد و پیروانش ترجیح می‌دهند نام «تِراوادا» یا همان «مکتب سالخوردگان» را به کار برند «هینایانا» یعنی «راه کوچک‌تر رهایی» در برابر اصطلاح «ماهایانا» (راه بزرگ‌تر).

[۲۱] Tantrism

[۲۲] Samudragupta

[۲۳] Kumaradevi

[۲۴] Licchavis

[۲۵] Kannauj

[۲۶] Kapilavastu

[۲۷] Rajagriha، معروف به شهرپادشاهان، در بیهار.

[۲۸] Tissa